



The Effect of Semantic Horizon on Reading the Translations of the Novel “Season of Migration to the North”

Seyed Mehdi Masboogh *

Professor, Department of Arabic Language and Literature, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran

Solmaz Ghafari

Ph.D. Student in Arabic Language and Literature, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran

Abstract


Aesthetic theory is one of the theories in the field of literary criticism that was developed by the followers of the German school of Constance under the influence of the school of phenomenology. Since this theory focuses on the reader and his perception of the work, it seeks to examine the multiplicity of horizons in the reception process based on the translators' strategies and their interpretations of reading the text. The novel "Season of Migration to the North" by the Sudanese writer Al-Tayyib Saleh is one of the best novels of the twentieth century and has a high literary status. This research, which is organized by the descriptive-analytical method and confrontational approach with the aim of explaining the uncertainty of meaning and the reader's activity in reading the text, has investigated the various semantic readings of this novel based on the aesthetic theory of receiving at three levels of words, phrases, and structure in three translations of Davis (Arabic-English), Ghabraei (English-Persian), and Ameri (Arabic-Persian), and examined how to accept the text on the basis of establishing the artistic position of the work in different horizons and its richness from one translator to another. The result showed that a reader who, in response to white spaces and gaps, interprets and updates the text in a natural way and provides an explicit reading in accordance with the rules of the target language, can overcome the aesthetics of the target text. Accordingly, Ghabraei as a reader has been able to move from a simple reading to a critical understanding by filling in the gaps in accordance with the spirit of a culture. His participation in the reading process, relying on his semantic horizon, has both preserved the beauty of the source text and added to the aesthetic components of the target text.


Keywords: Receiving Aesthetics, Semantic Horizon, Translation, Al-Tayyib Saleh, Season of Migration to the North.

* Corresponding Author: smm@basu.ac.ir

How to Cite: Masboogh, S. M., Ghafari, S. (2022). The Effect of Semantic Horizon on Reading the Translations of the Novel “Season of Migration to the North”. *Translation Researches in the Arabic Language and Literature*, 12(26), 37-69. doi: 10.22054/RCTALL.2021.63204.1579

تأثیر افق معنایی مترجم بر متن مقصد در پرتو نظریه زیبایی‌شناسی دریافت؛ مطالعه موردی سه ترجمه از رمان «موسم الهجرة الى الشمال»

سید مهدی مسبوق*  استاد، گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه بوعلی‌سینا، همدان، ایران

سولماز غفاری  دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی، دانشگاه بوعلی‌سینا، همدان، ایران

چکیده

نظریه زیبایی‌شناسی یکی از نظریه‌های مطرح شده در حوزه نقد ادبی است که تحت تأثیر مکتب پدیدارشناسی توسط پیروان مکتب کنستانس آلمان به وجود آمد. از آنجا که این نظریه، کانون توجه خود را بر خواننده و دریافت او از اثر متمرکز کرده در پی آن است که تعدد افق‌ها در روند دریافت را براساس استراتژی‌های مترجمان و تأویل‌های آن‌ها در خوانش متن مورد بررسی قرار دهد. رمان «موسم الهجرة إلى الشمال» اثر الطیب صالح نویسنده سودانی از برترین رمان‌های قرن بیستم به شمار می‌رود و از جایگاه ادبی بالایی برخوردار است. پژوهش حاضر که به روش توصیفی-تحلیلی و رویکرد مقابله‌ای و با هدف تبیین عدم قطعیت معنا و فعال بودن مترجم به عنوان خواننده در خوانش متن سامان یافته، خوانش‌های معنایی متعدد رمان یادشده را در پرتو نظریه زیبایی‌شناسی دریافت در سه سطح واژه، ساختار و عبارت در سه ترجمه دیویس (عربی-انگلیسی)، غبرائی (انگلیسی-فارسی) و عامری (عربی-فارسی) مورد بررسی قرار داده و به تبیین چگونگی پذیرش متن به اعتبار تثبیت جایگاه هنری اثر در افق‌های مختلف و غنای آن از مترجمی به مترجم دیگر پرداخته است. برآیند پژوهش نشان داد مترجمی که در واکنش به فضاهای سفید و خلأها، متن را به شکلی طبیعی تأویل و به‌روزرسانی کند و متناسب با قواعد زبان مقصد، خوانشی صریح ارائه دهد، می‌تواند بر زیبایی‌شناسی متن مقصد فائق آید. بر این اساس غبرائی به عنوان خواننده توانسته با پر کردن خلأها متناسب با روح یک فرهنگ از خوانشی ساده به دریافتی منتقدانه گذر کند. مشارکت وی در فرآیند خواندن با تکیه بر افق معنایی خود، هم باعث حفظ زیبایی متن مبدأ شده و هم بر مؤلفه‌های زیبایی‌شناختی متن مقصد افزوده است.

کلیدواژه‌ها: زیباشناسی دریافت، افق معنایی، ترجمه، الطیب صالح، موسم الهجرة الى الشمال.

مقدمه

زبان‌ها دارای ساختمان متفاوتی هستند و آنجا که یکی کثرت معنایی از خود نشان می‌دهد، دیگری گرفتار کمبود آن است. تکلم به زبان‌های مختلف توسط انسان‌های کره زمین، باعث شده که ترجمه به عنوان محور اصلی تأویل به شمار آید. در بحث ترجمه، نحوه بازنمود واقعیت در دو زبان مبدأ و مقصد موضوعیت دارد. بر این اساس می‌توان ترجمه را به عنوان زیرمجموعه «نظریه دریافت»^۱ که گونه‌ای از نظریه خواننده محور است، مورد بررسی قرار داد؛ زیرا این نظریه زمینه مناسبی را برای بازنگری روابط میان نویسنده، اثر و خواننده فراهم و با استدلال بیان می‌کند که یک اثر علاوه بر آفرینش، مورد دریافت و خوانش‌هایی قرار می‌گیرد که هر یک به نوبه خود حائز اهمیت است.

یک متن (اثر ادبی) ممکن است بارها و بارها مورد پذیرش قرار گیرد و هر خوانش جدید بسان جرقه‌ای است که سایه روشن‌های معنایی متن را کشف می‌کند. در این نظریه، مترجم به عنوان خواننده در مرکز بررسی‌های نقدی قرار گرفته؛ زیرا مترجم می‌تواند معنای صحیح متنی را در افق زبانی تازه‌ای بازسازی کند و به نوعی، برداشت خود را از آن متن بیگانه به زبان خودی و در قالبی جدید بیان کند و معنا را درونی سازد، چرا که با افزودن هر تأویل به معنای یک اثر، افق معنایی دلالت‌های یک اثر، گسترده‌تر می‌شود.

در این پژوهش، دریافت رمان «موسم الهجرة الى الشمال» اثر الطیب صالح به عنوان اثری واحد در سه افق معنایی عربی، انگلیسی و فارسی با رویکرد زیبایی‌شناختی مورد بررسی قرار گرفته است، چرا که نخست اینکه تأویل و تفسیر یک اثر در حکم پژوهش افق معنایی اثر است. دوم؛ کشف افق معنایی، خودکاری زیبایی‌شناسانه است. حال اگر افق معنایی متن و خواننده با هم متفاوت باشد در فاصله زیبایی‌شناسی نیز نمود می‌یابد؛ مسأله‌ای که در متن اصلی و متن ترجمه شده نیز به چشم می‌خورد. در این پژوهش به دنبال بررسی افق معنایی، کیفیت معنایی اثر نیز مورد بررسی قرار گرفته است. هدف مقاله، شناخت شیوه رویارویی و پذیرش خوانندگان (مترجم) با اثری هنری و راهیابی به افق معنایی آنان است و اینکه تعدد افق چرا و چگونه توانسته است کارایی مثبتی داشته باشد.

مرگ مؤلف و توجه به خواننده و متن به عنوان ارکان اصلی نظریه دریافت، رویکردی نو به ادبیات است که می‌تواند هم از دوره‌ای به دوره‌ای دیگر مورد پذیرش واقع شود

(دریافت تاریخی) و هم در یک دوره ثابت براساس داده‌های ذهنی، اجتماعی، فرهنگی و... به صورت‌های مختلف بازآفرینی شود (زیبایی‌شناسی دریافت).
در پژوهش پیش‌رو، بررسی بعد زیبایی‌شناختی به سبب اهمیت فرم در انتقال معنا در نظر گرفته شده است. پرسش‌هایی که این پژوهش درصدد پاسخ‌گویی به آن است، عبارتند از:

- ۱- ترجمه چگونه می‌تواند بر رمز و راز زیبایی‌شناسی متن مقصد بیفزاید؟
- ۲- مشارکت مترجم در پر کردن خلأها چگونه بر مؤلفه‌های زیبایی‌شناختی یک متن تأثیرگذار است؟
- ۳- تفاوت در تجربه زیبایی‌شناختی در سه افق معنایی (عربی، فارسی و انگلیسی) چگونه در ترجمه‌های این رمان نمود یافته است؟

۱. پیشینه پژوهش

نقد و بررسی ترجمه از جمله مسائلی است که امروزه پژوهش‌های ارزشمندی را در این حوزه به خود اختصاص داده است. با وجود صبغه طولانی نظریه دریافت، پژوهشی در زمینه تعدد افق معنایی و تأثیر آن در خوانش‌های متفاوت براساس نظریه زیبایی‌شناسی در ترجمه انگلیسی و فارسی از زبان عربی یافت نشد، اما مطالعات در خوری هم در چهارچوب نقد ترجمه در حوزه تاریخی و هم در زیبایی‌شناسی در قالب یک زبان به چشم می‌خورد که در ادامه به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌شود.

طیب فیضی (۱۳۹۶) در پایان‌نامه خود با عنوان «بررسی نظریه پذیرش براساس داستان‌های هزار و یک شب؛ مورد کاوی سند باد بحری»، نظریه پذیرش را از منظر افق انتظار تاریخی مورد بررسی قرار داده است.

پروینی و شکری (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «نظریه پذیرش در نقد ادبی و ادبیات تطبیقی» با نگاهی نو به خواننده، بازتولید معانی را مورد کاوش قرار داده‌اند.

طیبی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان «خوانش ترجمه‌های دعای عرفه در پرتو نظریه زیبایی‌شناسی دریافت آیزر^۱» در این پژوهش براساس نظریه آیزر^۲ شکاف‌های متن

1. Wolfgang Iser

2. Iser, W.

اصلی دعای عرفه و بازتاب آن در ترجمه آقایان شجاعی، الهی قمشه‌ای و مؤیدی از دعای عرفه را مورد بررسی مقابله‌ای قرار داده‌اند.

در رابطه با رمان «موسم الهجرة إلى الشمال» بیشتر پژوهش‌های صورت گرفته به مسأله مکان و تقابل شرق با غرب پرداخته‌اند، اما مقاله پیش‌رو ضمن تحلیل افق معنایی، تأثیر آن‌ها را بر خوانش‌های معانی صریح و تلویحی در پرتو نظریه زیبایی‌شناسی دریافت نقد و بررسی کرده است.

۲. معرفی رمان

رمان «موسم الهجرة إلى الشمال» در سال ۲۰۰۱ میلادی از طرف آکادمی ادبیات عربی دمشق به عنوان مهم‌ترین و برترین رمان عربی قرن بیستم انتخاب شد و در سال ۲۰۰۲ میلادی در لیست ۱۰۰ رمان برتر جهان عرب قرار گرفت (شاهین، ۱۹۹۶: ۱۰۷). این رمان به ۵۶ زبان زنده دنیا ترجمه شده که خود نشان از زنده بودن «موسم هجرت» در عرصه جهانی دارد. رضا عامری آن را از عربی به فارسی، دنیس جانسون دیویس^۱ از عربی به انگلیسی و مهدی غبرائی از انگلیسی به فارسی برگردانده است. راز موفقیت این رمان سیلان ذهن، تعدد راوی، کارکرد تشویق و انگیزش و شکست زمان است. این رمان شامل ۱۰ بخش است که تأکیدی است بر مرکزیت اروپا- انگلستان (شمال) و در حاشیه بودن آفریقا- سودان (جنوب)؛ در واقع سودان استعمارزده و انگلستان استعمارگر است. دو شخصیت اصلی داستان مصطفی سعید و راوی هستند که اولی نسل اول از روشنفکران استعمارزده است و استعمار را پذیرفته و راوی که براساس شواهد، گویی ادامه شخصیت مصطفی سعید است هر دو به عنوان روشنفکر تحصیلکرده در انگلستان هستند. راوی نسل دوم از روشنفکران استعمارزده است و از جهت ارج نهادن بر سنت‌های بومی، نقطه مقابل مصطفی سعید است. با توجه به نظر آیزر -چهره برجسته جنبش ادبی دریافت- می‌توان گفت که رمان موسم هجرت دارای دو محور خلق و دریافت است که محور اول، قطب هنری است که توسط نویسنده ایجاد می‌شود و محور دوم، قطب زیبایی‌شناسی است که توسط خواننده انجام می‌پذیرد.

1. Davis, D. J.



منبع: لودگ، ۲۰۰۰: ۱۸۸

در این جستار رمان «موسم الهجرة الى الشمال» را در عربی به عنوان متن مبدأ و ترجمه‌ها را به عنوان متن مقصد و نیز رضا عامری مترجم عربی-فارسی، دنیس جانسون دیویس مترجم عربی-انگلیسی و مهدی غبرائی مترجم انگلیسی-فارسی را خواننده و دریافت‌کننده در نظر گرفته‌ایم. ترجمه‌های یادشده در بسترهای متفاوت (عربی-انگلیسی-فارسی) مورد استقبال قرار گرفته است و با در نظر گرفتن افق معنایی به عنوان مهم‌ترین ویژگی زیبایی‌شناسی نظریه دریافت مورد ارزیابی قرار می‌گیرند.

۳. نظریه دریافت و ترجمه

نظریه دریافت، نظریه‌ای خواننده‌محور است که بقای متن را در گرو خواننده می‌داند؛ چون معنی، محصول خلاقیت خواننده است. در نظر ولفگانگ آیزر، «خواننده در خواندن متن استراتژی‌هایی را به کار می‌گیرد که ضامن آزادی وی در عمل خواندن است. استراتژی‌هایی که بنابر تغییر خواننده‌ای به خواننده‌ای دیگر، عوض می‌شود» (زیما، ۱۳۹۴: ۱۰۱). میان متن و خواننده همواره دیالوگی برقرار است که این دیالوگ را از دو جنبه می‌توان مورد بررسی قرار داد؛ «تاریخی و زیبایی‌شناسیک؛ تاریخی می‌خواهد بداند که چرا اثری در دوره‌ای به شکلی و در دوره‌ای دیگر به شکلی دیگر مورد خوانش قرار گرفته است. جنبه زیبایی‌شناسیک به دنبال معنا و بلاغت و فصاحت و فرم و صورت در متن است» (فیضی، ۱۳۹۶: ۷۱). این نظریه، فرآیند تکمیل یک اثر هنری را منوط به دریافت می‌داند. در نظریه دریافت «متن داده‌ای ناقص فرض شده که دارای فضاها و شکاف‌های سفیدی است که خواننده باید در خلال خوانش آن‌ها را پر کند» (شرشار، ۲۰۰۱: ۴۱). بر این اساس،

ترجمه یک خوانش جدید و مترجم، میانجی‌گری است که به متن هویت می‌بخشد و معنایی جدید بدان ضمیمه می‌کند.

۴. نظریه زیبایی‌شناسی دریافت

یکی از مهم‌ترین عنصرهایی که خواننده را به سمت خود جذب می‌کند، مسأله زیبایی متن است و هر قدر که خواننده با ملاک‌های زیبایی‌شناسی آشنایی بیشتری داشته باشد، لذت بیشتری از متن خواهد برد. «در اواخر دهه ۱۹۶۰ ولفگانگ آیزر و هانس رابرت یاس^۱ نظریه زیبایی‌شناسی دریافت^۲ را در دانشگاه کنستانس^۳ آلمان پایه‌ریزی کردند. این نظریه را می‌توان یکی از مجموعه نظریاتی دانست که تحت عنوان کلی «خواننده‌محور» شناخته می‌شوند؛ چون تمام این نظریات بر نقش خواننده در درک معنی از متن تأکید دارند.

نظریه‌های خواننده‌محور، نوعاً ساختن معنا را رسالت خواننده می‌دانند. به تعبیر آیزر، اثر ادبی از بخش‌های نوشته و نانوخته تشکیل می‌شود؛ از خطوط و بین خطوط. وقتی خواننده، متن را می‌خواند آنچه نوشته شده همهٔ وجوه معنایی ممکن را به او منتقل نمی‌کند، بلکه انتظاراتی را در ذهن او ایجاد می‌کند [که] یا متن خود این انتظارات را برآورده می‌کند یا برآورده نمی‌کند. در حالت دوم، ذهن خواننده فعال شده و در پی برآوردن انتظارات خود؛ یعنی پر کردن خلأهایی که نویسنده به جا گذاشته، می‌رود. این خلأها همان حرف‌های نانوخته و همان بین خطوط هستند که مشارکت خواننده را می‌طلبند» (خزاعی فرید، بی‌تا: ۶-۷). «نظریهٔ یاس عبور از نویسنده و اثر به متن و خواننده آن است» (Robert, 1984: Xii). از جمله عناصر و شاکله‌های نظریهٔ زیبایی‌شناسی، افق خواننده و استراتژی او، فاصله زیبایی‌شناختی، تعادل یا عدم تعادل زیبایی‌شناختی و خواننده‌محور بودن است که پژوهشگر با بررسی ترجمهٔ واژه‌ها و بافت‌های واژگانی، اسم صوت‌ها، ترکیب‌های اتباعی، ساختار جملات و چگونگی به‌کارگیری کنایه‌ها و اصطلاحات را با در نظر گرفتن افق معنایی به عنوان عنصر مهم نظریهٔ زیبایی‌شناسی، سعی در واکاوی دریافت انواع ترجمه‌ها و ارزیابی آن‌ها کرده است، چراکه وجود چند ترجمه از رمان حاضر با بررسی و تعیین نوع واژگان یا نوع به‌کارگیری ساختارهای گرامری، بیانگر افق معنایی متفاوت از متنی واحد است.

1. Yass, H. R.

2. Toward an aesthetic of reception theory

3. Constance University

۵. عنصر زیبایی‌شناسی دریافت

بررسی فرم در اغلب موارد تعیین‌کننده ژانر اثر است. بر این اساس، بررسی شاکله‌های نظریه زیبایی‌شناسی دریافت که در فرم اثر ادبی و دریافت معنا موثر است در این پژوهش ضروری است. زیبایی‌شناسی دریافت، دارای عناصری از جمله افق خواننده، فاصله زیبایی‌شناختی، تعادل زیبایی‌شناسی و... است. برجسته‌ترین این عناصر، افق معنایی است که شاکله اصلی پژوهش حاضر به شمار می‌آید.

۵-۱. افق معنایی

افق به عنوان محور اصلی در نظریه دریافت دو نوع است: افق انتظار و افق معنایی. افق انتظار در حقیقت توقع و انتظار شایعی است که خواننده براساس باورها و انتظارات قبلی خود از خواندن یک اثر دارد؛ حال ممکن است آستانه انتظار خواننده ثابت باشد یا متغیر. افق معنایی پاسخی است که یک اثر ادبی به افق انتظار خواننده می‌دهد که منجر به پذیرش اثر ادبی می‌شود و با شیوه نوشتار و فرم اثر ارتباطی مستقیم دارد. بنابراین، از آنجا که افق معنایی از فردی به فرد دیگر متفاوت است، خواننده با گذر از آستانه و افقی به آستانه و افق جدیدی وارد می‌شود. «در ابتدا افق را می‌توان مجموعه‌ای از متغیرهای زبانی، ادبی و فرهنگی و تاریخی تعریف کرد که احساسات، اعمال و افکار مترجم را تحت تأثیر قرار می‌دهد» (اوستینوف^۱، ۱۳۹۰: ۶۴)، اما اگر بخواهیم تعریفی دقیق از افق معنایی ارائه دهیم، می‌توان این‌گونه اشاره کرد که «افق معنایی؛ یعنی شناخت شیوه رویارویی و پذیرش مخاطب‌های اثر هنری» (احمدی، ۱۳۹۳: ۶۹۱). در حقیقت چگونگی آفریدن معنای یک اثر به عهده خواننده و افق معنایی مختص اوست. بنابراین، تحقیق حاضر براساس افق خواننده در متن مقصد لحاظ می‌شود؛ از این جهت که افق معنایی کدام یک از مترجمان، متن را بومی‌تر و آن را به فرهنگ خواننده نزدیک‌تر کرده است.

قصد ما بررسی افق مترجمی است که با استفاده از سبک خاص خود و راهکارهای شخصی به زبان خودی ترجمه می‌کند و این زاویه دید تنها متعلق به خود او و محصور در اوست. پس می‌توان رمان موسم هجرت را به عنوان یک اثر ادبی با سه افق معنایی مجزا در نظر گرفت و محور کلی پژوهش حاضر را این‌گونه عنوان کرد:

1. Ustinov, M.

عربی (صالح)	انگلیسی (دیویس)	فارسی (غبرائی)	عربی (صالح)	فارسی (عامری)
----------------	--------------------	-------------------	----------------	------------------

هر یک از این خواننده‌ها با توجه به افق دریافت خود از این رمان در سه زبان (عربی، انگلیسی، فارسی) معنا را به سبک خود در قالبی زیبا آفریده‌اند که آرایش آن با دیگری تفاوت دارد. مجموعه تأویل‌های این سه مترجم در حکم پژوهش جهت یافتن افق‌هایی است که در نهایت منجر به تحقق معناهای برداشت شده از متن است. افق هیچ فردی نمی‌تواند به افق فرد دیگری شباهت داشته باشد، چون تخیل، نگرش، احساس و طرز فکر افراد یکسان نیست. همچنین افق معنایی از دوره‌ای به دوره‌ای دیگر بنابر مقتضای زمان، متفاوت است. همین مسأله باعث می‌شود که ترجمه‌ها به سمت پویایی حرکت کند. مجموعه استراتژی و تأویل‌های خوانندگان، سازنده افق معنایی یک اثر ادبی است.

۵-۱-۱. استراتژی خواننده

یکی از عواملی که افق معنایی خواننده را شکل می‌دهد، استراتژی خواننده است. مترجم به عنوان خواننده این آزادی را دارد که در بازگردانی متن مبدأ متناسب با قواعد متن مقصد از شگردهایی استفاده کند که طرح معنای جدیدی را بیفکند و می‌تواند براساس استراتژی شخصی خود، سازنده اثر هنری شود. به صورت دقیق می‌توان گفت که «استراتژی خواندن، یعنی آشنایی با شگردها، رمزگان و قراردادهای ادبی که در اثری خاص از آن‌ها استفاده شده است؛ به عبارت دیگر، اطلاعات خواننده از موضوع رمان، رمزگان کلی و رمزگان خاص سازنده این استراتژی است و کنش و واکنش درونی میان ذهن خواننده و متن در نهایت منجر به آفرینش اثر می‌شود» (همان: ۶۸۴). طبیعتاً تفاوت استراتژی مترجمان در عملکرد ترجمه رمان حاضر خود دلیلی بر یکسان نبودن خوانش‌ها است. بنابراین، ادغام ساختار متن و کنش خواننده به روی کار آمدن افق معنایی می‌انجامد.

۵-۱-۲. تأویل خواننده

تأویل همان تلاش برای نمود یافتن شرایط شکل‌گیری معنایی یک اثر است که در افق معنایی اثر جای می‌گیرد که خود کاری زیبایی‌شناسیک به‌شمار می‌آید. «مجموعه تأویل‌های

خوانندگان، سازنده افق معنایی اثر است؛ یعنی شرایط تحقق معناهای متن» (همان: ۶۸۷). هرگاه تأویل راه مکالمه دوطرفه با متن را بگشاید در این صورت زیرمجموعه افق معنایی به حساب می‌آید. می‌توان گفت تأویل در حکم تثبیت جایگاه اثر ادبی در افق مترجم و یا «در حکم پژوهش آن افق است... هر تأویل گسترش دهنده افق دلالت‌های معنایی اثر است و هیچ تأویلی در حکم کلام نهایی نیست» (همان: ۶۸۸). تأویل، کنشی است از جانب خواننده که در خلق معنا مؤثر است. «موسم هجرت» دارای سه خواننده و در راستای آن سه تأویل است که بدین سان مجموعه استراتژی مترجمان و تأویل‌هایشان، افق معنایی متفاوتی را شکل داده است.

۶. تحلیل ترجمه‌ها براساس افق معنایی

شاید این پرسش پیش آید که قواعد زبانی چه ارتباطی با افق معنایی مترجم دارد؟ بررسی چگونگی واکنش به خلأها و فضاها، خالی متن در ساختارها و قواعد می‌تواند باعث چرخش و دگرگونی افق معنایی مترجمان شود. بنابراین، کیفیت آگاهی خواننده از قواعد زبان مبدأ و مقصد مهم است؛ زیرا علاوه بر اینکه به تقویت ارزش زیبایی‌شناسی اثر کمک می‌کند، می‌تواند مترجم را به فهم هستی اثر نیز رهنمون شود. دریافت و خوانش را نباید محصور در معنا دانست، بلکه فراتر از آن از طریق تجزیه و تحلیل دستوری، سبک‌شناختی، زبان‌شناختی و... نیز می‌توان هستی و حقیقت یک اثر را که خود مفهومی زیبایی‌شناسی و متعلق به یک اثر هنری است، تجربه کرد.

از آنجا که سبک‌شناسی خود نیز مربوط به فرم می‌شود، می‌توان از این منظر آن را زیرمجموعه دریافت زیبایی‌شناسی در نظر گرفت. بر این اساس، لازم می‌نماید چگونگی ترجمه رمان حاضر در سطح واژگانی، ساختار نحوی، معادل‌ها و... بررسی شود، چراکه این بررسی‌ها از یک طرف به نوبه خود می‌تواند به تقویت ارزش زیبایی‌شناسی اثر کمک کند و یا از ارزش آن کم کند و از طرف دیگر، بررسی تمایزات زیبایی‌شناسی موجود در بافت یک اثر بر خاص بودن آن اثر تأکید می‌کند.

۶-۱. معادل‌یابی واژه‌ها

گاهی اوقات شاهد ترجمه‌های متعددی از یک اثر هستیم که اصولاً به دلیل ارتباطی که با یکی از آنها می‌گیریم، یکی را بر دیگری ترجیح می‌دهیم. استفاده از «واژگان هم‌نشین در

ترجمه، باعث تولید متونی روان تر می شود، متونی که از لحاظ واژگانی شباهت بیشتری به سایر متون زبان مقصد دارند و بنابراین از دید خوانندگان متن مقصد طبیعی تر به نظر می رسند» (واعظیان، ۱۳۹۱: ۶۵). در این راستا با بررسی واژه‌ها در پارامترهای نشاننداری و بی‌نشانی، عامیانگی و شکوه‌مندی واژگان، اسم صوت و مرکب‌های اتباعی، می‌توان روند فهم و بازسازی معنا را در افق‌های زبانی جدید نسبت به قابلیت‌های دریافتی مترجمان بیان کرد.

۶-۱-۱. نشاندار و بی‌نشان

آشنایی مترجمان با رمزگان، شگردها و قراردادهای ادبی در زبان مقصد و بهره بردن از آن مثلاً موردکاوی ترجمه فعل «ضحک» در نمونه زیر خود شاهدی است بر این مدعا که هر یک خوانش خود را به اشکال متفاوت به فرآیندی خلاق تبدیل کرده‌اند. «خندیدن» یک فعل بی‌نشان و در درجه صفر کلام قرار دارد، اما معادل‌یابی آن در فارسی نشاندار بوده و به نوع خاصی از مفهوم خندیدن دلالت دارند. فعل «smile» به معنای لبخند زدن و «laughed» به معنای خندیدن است که اولی نشاندار و دومی بی‌نشان است. اما «خنده‌ای غلغله‌زن و غش و ریشه رفتن» که هر دو نشاندارند بر این مسأله دلالت دارند که غبرائی به اوج خندیدنی که از ته دل نشأت می‌گیرد، اشاره داشته در حالی که عامری خندیدن را در درجه صفر کلام و یا نهایتاً یک گام جلوتر، «کلام را با خنده قرقره کردن» عنوان کرده است. بنابراین، هر یک از مترجمان واقعیت خندیدن را از زاویه افق خویش درونی کرده‌اند؛ زیرا این وظیفه خواننده است که از میان فرم‌ها، رنگ‌ها، تصاویر، موقعیت‌ها و آنچه ارائه شده برحسب تناسب، خود حدس بزند و با توجه به ارتباطی که با آن‌ها برقرار می‌کند، دریافت خود را ارزش‌گذاری و خلاصه‌ها را با آن پر کند.

متن اصلی: لو قلت لجدی... لضحک (صالح، ۱۹۹۷: ۸۱).

ترجمه عربی به انگلیسی: he would have laughed (Davis, 2009: 39).

ترجمه عربی به فارسی: اگر به پدربزرگم می‌گفتم... می‌خندید (عامری، ۱۳۹۵: ۵۵).

ترجمه انگلیسی به فارسی: غش و ریشه می‌رفت (غبرائی، ۱۳۹۰: ۱۱۹).

متن اصلی: فقرت لهاتها بالضحک (صالح، ۱۹۹۷: ۵۵).
ترجمه عربی به انگلیسی: some times smiling (Davis, 2009: 10).
ترجمه عربی به فارسی: کلامش را با خنده قرقره کرد (عامری، ۱۳۹۵: ۳۸).
ترجمه انگلیسی به فارسی: خنده‌ای غلغله زن از ته دل سر داد (غبرائی، ۱۳۹۰: ۸۸).

برای تبیین بیشتر بحث در ادامه به بررسی چند نمونه اسم و فعل نشاندار و بی‌نشان می‌پردازیم.

۶-۱-۱-۱. اسم

در مختصات فرهنگی هر جامعه، زبانی توصیفاتی وجود دارد که این توصیف‌ها را بر حسب قرارداد پذیرفته‌ایم و استفاده از آن‌ها از بار ارزش گذاری خاصی برخوردارند که تنها اهل آن زبان از ارزش آن آگاهند. وظیفه خواننده در هر زبانی، روشن تر کردن متن است. «زبان انگلیسی به طور خاص و ویژه، گنجینه‌ای بسیار غنی از کلماتی با معانی مترادف و مشابه دارد. این کلمات دارای معنای پایه واحد هستند، اما معانی ضمنی آن‌ها متفاوت است و در موقعیت‌های خاص به کار برده می‌شوند. برای فردی که انگلیسی، زبان مادری او نیست کاربرد واژه درست در جای صحیح یک معضل عمده است. در حقیقت هر کلمه برای افرادی با زمینه‌های ذهنی و اجتماعی متفاوت، معانی متفاوت دارد و کاربرد آن ممکن است موجب سوء تفاهم شود» (یعقوبی، ۱۳۸۳: ۱۵۲).

الطیب صالح در رمان موسم هجرت از اسم (تخریف) در این عبارت «لا تَلْتَفْتِ لِتَخْرِيفِ وَدُ الرَّئِيسِ» (صالح، ۱۹۹۷: ۱۲۲) که به معنای خزعبلات است، استفاده کرده است، اما مترجمان هر کدام خلأهای بین متنی در ترجمه را این گونه پر کرده‌اند؛ عامری از مفهوم کنایی بهره برده و از اصطلاح «صدتا یکک غاز» استفاده کرده که به مخاطب بگوید کلام «ود رئیس» خیلی بی‌ارزش بوده است. مترجم در زبان مقصد انگلیسی از واژه «drivel» به معنای «چرت و دری وری سخن گفتن» استفاده کرده که غبرائی هم دقیقاً از همین معنا در زبان مقصد فارسی بهره جسته است.

ترجمه از عربی به فارسی: «توجهی به حرف‌های صدتا یک غاز ودالرئیس نکن» (عامری، ۱۳۹۵: ۸۱).

ترجمه از عربی به انگلیسی: «on't pay any attention to Wad Rayyes's drivel» (Davis, 2009: 46).

ترجمه از انگلیسی به فارسی: «به دری وری‌های ودالرئیس اعتنا نکن» (غبرائی، ۱۳۹۰: ۱۶۵).

هر کدام از مترجمان با توجه به ارزش‌گذاری که برای واژه «تخریف» در نظر داشته‌اند، خوانش‌هایی متفاوت ارائه داده‌اند. هر دلالت معنایی میان مترجمان کنشی مجزا به شمار می‌آید که منتهی به رسا شدن کلام در زبان مقصد شده است. نمونه‌های زیر از آن جمله‌اند:

متن اصلی: جمعُ متاعی فی حقیبة صغیره (صالح، ۱۹۹۷: ۳۲).

ترجمه عربی به انگلیسی: I packed up my belongings in a small suitcase (Davis, 2009: 17).

ترجمه عربی به فارسی: وسایلم را در چمدان کوچکی جا نهاد (عامری، ۱۳۹۵: ۲۴).

ترجمه انگلیسی به فارسی: دار و ندارم را در چمدان جا دادم (غبرائی، ۱۳۹۰: ۶۳).

متن اصلی: فعلتُ فی الصباح (صالح، ۱۹۹۷: ۶۱).

ترجمه عربی به انگلیسی: I have done this in the early mornings (Davis, 2009: 25).

ترجمه عربی به فارسی: در روز انجام می‌دادیم (عامری، ۱۳۹۵: ۴۲).

ترجمه انگلیسی به فارسی: صبح کله سحر انجام می‌دادیم (غبرائی، ۱۳۹۰: ۹۵۵).

متن اصلی: کان این الإنکلیز المدلل (صالح، ۱۹۹۷: ۶۷).

ترجمه عربی به انگلیسی: He was the spoiled child of the English (Davis, 2009: 27).

ترجمه عربی به فارسی: او فرزند افتخاری انگلیسی‌ها بود (عامری، ۱۳۹۵: ۴۶).

ترجمه انگلیسی به فارسی: عزیز دردانه (غبرائی، ۱۳۹۰: ۱۰۲).

۶-۱-۱-۲. فعل

دومین مورد در نشان‌داری و بی‌نشانی واژه‌ها، چگونگی دریافت فعل‌ها است. آشنایی مترجم با قواعد حاکم بر نظام زبان مقصد امری ضروری است. مثلاً «در زبان انگلیسی مسأله توالی زمان‌ها کاملاً رعایت می‌شود؛ یعنی اگر فعل اصلی جمله زمان گذشته را داشته باشد، مابقی افعال تابع باید در زمان گذشته صرف شوند، اما این قاعده در فارسی صادق نیست» (صفوی، ۱۳۹۴: ۲۳). علاوه بر توالی زمانی، توجه به بار معنایی افعال هم لازم است. برای نمونه، در ترجمه فعل «کان یقول کلاماً» که به معنای «حرف زدن» است، هریک از مترجمان براساس دریافت خود و با در نظر گرفتن قرائن موجود آن را ترجمه کرده‌اند. عامری از فعل «با زبان عجیبی صحبت کردن»، دیویس از فعل «gibberish» به معنای «حرف شکسته و نامفهوم» و غبرائی از «ورور کردن» استفاده کرده است که خوانش هریک افق معنایی متفاوت‌تر از دیگری را به وجود آورده است:

متن اصلی: «أحياناً بالليل في النوم كان يقولُ كلاماً» (صالح، ۱۹۹۷: ۱۱۳).

ترجمه عربی به انگلیسی: «When he was asleep he'd say things in-in gibberish» (Davis, 2009: 43).

ترجمه عربی به فارسی: «گاهی شب‌ها در خواب با زبان عجیبی صحبت می‌کرد» (عامری، ۱۳۹۵: ۷۵).

ترجمه انگلیسی به فارسی: «بعضی شب‌ها در خواب ورور می‌کرد» (غبرائی، ۱۳۹۰: ۱۵۵).

در این عبارت، منظور از بنت محمود، همسر مصطفی سعید این بوده که برخی شب‌ها در خواب چیزی شبیه به زبان فرنگی‌ها صحبت می‌کرده است، اما چون او متوجه آن زبان نمی‌شده هر یک از مترجمان نامفهوم کلام را به شکلی خاص بیان کرده‌اند که ترجمه غبرائی صراحت معنایی بیشتری در زبان مقصد دارد و واژه در این ترجمه تفسیرپذیرتر بوده است، اما ترجمه عامری و دیویس در معنایی ضمنی بیان شده‌اند.

تأویل‌های متعدد از افعال در نظام واژگانی در حکم راهیابی به افق معنایی اثر است و قیاس این تأویل‌ها در رویارویی با متنی واحد که باعث تبیین افق‌های معنایی می‌شود، یکی از مبانی کار زیبایی‌شناسی به شمار می‌آید. نمونه‌های زیر از آن جمله‌اند:

متن اصلی: أخذ يتَمَلَمَل في مقعده (صالح، ۱۹۹۷: ۱۱۹).

ترجمه عربی به انگلیسی: He began fidgeting in his seat. (Davis, 2009: 45).

ترجمه عربی به فارسی: بی‌قرار روی صندلی جابجا می‌شد (عامری، ۱۳۹۵: ۸۰).

ترجمه انگلیسی به فارسی: در صندلی وول می‌خورد (غبرائی، ۱۳۹۰: ۱۶۲).

متن اصلی: لا یفرحون لِمولدٍ لِمولدٍ (صالح، ۱۹۹۷: ۱۵۶).

ترجمه عربی به انگلیسی: They neither rejoice at a birth nor... (Davis, 2009: 75).

ترجمه عربی به فارسی: نه برای تولد خوشحال می‌شوند (عامری، ۱۳۹۵: ۱۰۴).

ترجمه انگلیسی به فارسی: نه برای تولد دلشان غنچ می‌زند (غبرائی، ۱۳۹۰: ۲۰۷).

متن اصلی: تُدغدغُ أنفی (صالح، ۱۹۹۷: ۳۴).

ترجمه عربی به انگلیسی: Smell tickling my nose. (Davis, 2009: 18).

ترجمه عربی به فارسی: بینی ام را نوازش می‌داد (عامری، ۱۳۹۵: ۲۵).

ترجمه انگلیسی به فارسی: بینی ام را غلغلک می‌داد (غبرائی، ۱۳۹۰: ۶۵).

۶-۱-۲. عامیانگی و شکوهمندی واژگانی

دو بافت رسمی و محاوره هر کدام مجموعه واژگان خاص خود را دارند که استفاده از این بافت‌ها توسط نویسندگان و مترجم می‌تواند بیانگر سبک شخصی باشد و در فرم اثر و پذیرش آن برای مخاطب بسیار تأثیرگذار است؛ چون از یک طرف انتخاب نوع بافت منجر به ایجاد حس صمیمیت و ارتباط بهتر خواننده با متن در دیالوگی دوطرفه خواهد شد و از طرف دیگر، «تمایز محتوا و شکل همزاد شمای مفهومی اصلی در نظریه هنری و زیبایی‌شناسیک بوده است» (احمدی، ۱۳۹۳: ۵۵۴). در ادامه به بررسی نمونه‌هایی در این زمینه می‌پردازیم.

۶-۱-۲-۱. بافت رسمی

این بافت دارای گروه واژگان فاخری است که دارای شکوه و اعتبار بالایی هستند. به بررسی یک نمونه از این بافت در خوانش مترجمان می‌پردازیم، عامری در ترجمه

«هیجت» صورت بافت رسمی و ادبی را به کار برده است و شکاف معنایی را در متن مبدأ حفظ و معنای تلویحی آن را عنوان کرده است، اما غبرائی در ترجمه «stirred up» که به معنای «مخلوط و به هم زده» است، اصطلاح عامیانه «نمک پاشیدن» را به کار برده که دارای صراحت معنایی بیشتری است. افق معنایی بسان پازلی است که هر فرد با توجه به تصورات ذهنی خود از میان هزاران تکه، تنها یکی را چینی می‌کند و آن را در مکان مورد نیاز، جایگزین می‌کند:

متن اصلی: «لکننی هیجت کوامن الداء» (صالح، ۱۹۹۷: ۴۵).

ترجمه عربی به انگلیسی: «but I had stirred up the latent depths of the disease» (Davis, 2009: 21).

ترجمه عربی به فارسی: «اما من دردهای پنهان را تحریک می‌کردم» (عامری، ۱۳۹۵: ۳۲).

ترجمه انگلیسی به فارسی: «من بر عمق نهران این زخم نمک می‌پاشیدم» (غبرائی، ۱۳۹۰: ۷۷).

تفسیر عامدانه غبرائی علاوه بر گسترش افق معنایی صریح، نشان از قوه تخیل خواننده است. در ذیل نمونه‌هایی از دریافت‌ها را آورده‌ایم که مترجمان با تأکید بیشتر روی بخش‌های محاوره‌ای و رسمی، آن را برای مخاطب طبیعی و عینی جلوه می‌دهند.

متن اصلی: جری الصبیه (صالح، ۱۹۹۷: ۲۸).

ترجمه عربی به انگلیسی: «The other boys ran away» (Davis, 2009: 16).

ترجمه عربی به فارسی: بچه‌ها گریختند (عامری، ۱۳۹۵: ۲۲).

ترجمه انگلیسی به فارسی: بچه‌ها در رفتند (غبرائی، ۱۳۹۰: ۸۵).

متن اصلی: وهی دار فوضی قائمة دون نظام (صالح، ۱۹۹۷: ۸۹).

ترجمه عربی به انگلیسی: house, built without method (Davis, 2009: 35).

ترجمه عربی به فارسی: خانه‌ای بدون نظم (عامری، ۱۳۹۵: ۶۱).

ترجمه انگلیسی به فارسی: خانه‌ای هر دمبیلی (غبرائی، ۱۳۹۰: ۱۲۸).

متن اصلی: کان أهل البلد يتندرون علينا (صالح، ۱۹۹۷: ۹۹).

ترجمه عربی به انگلیسی: The villagers used to joke about us (Davis, 2009: 38).

ترجمه عربی به فارسی: ما را شماتت می کردند (عامری، ۱۳۹۵: ۶۷).

ترجمه انگلیسی به فارسی: ما را دست می انداختند (غبرائی، ۱۳۹۰: ۱۴۰).

۶-۱-۲-۲. بافت محاوره

در نظر رولان بارت، «متن، جزیره کوچکی در میان دریای روابط - مشترک - انسانی است که خوانش‌هایی از آن می‌شود که می‌توان گفت هر خوانشی یک نوشتار و هر نوشتاری یک خوانش محسوب می‌شود» (بارت، ۱۳۹۶: ۱۴ و ۳۶). همچنین «حتیم نقل می‌کند که «هر متن حال و هوای بیانی خاصی دارد که چنانچه به آن داده نشود، ناهماهنگ است و اهل زبان خیلی راحت این کمبود یا ناهماهنگی را احساس می‌کند. مثلاً در ترجمه یک متن انگلیسی از عربی از سیاق نثر کاملاً می‌شود فهمید که ترجمه یک قطعه طبیعی است یا نه. ترجمه باید حتماً ویژگی‌های متنی زبان مبدأ را در خود داشته باشد و تعدیل‌هایی در آن صورت بگیرد» (صلح‌جو، ۱۳۹۴: ۱۰۰).

زبان محاوره، بخش ابداعی زبان است، چون در این بافت، واژه‌سازی و تعبیرتراشی توسط مترجم راحت‌تر صورت می‌گیرد. در ترجمه جمله زیر، عامری و دیویس هر دو به زیبایی‌شناسی متن مبدأ وفادار مانده‌اند که همین امر باعث ظهور معنایی تلویحی شده است، اما غبرائی با توجه به سبک محاوره‌ای خود، کاملاً عامیانه پیش رفته و در عین حال به زیبایی‌شناسی متن مقصد توجه دارد. او از واژگانی مثل؛ «ده»، یکی بخورد صد تا صدقه بدهد، گیرش بیاید» استفاده کرده که معنا را در زبان مقصد صریح و شیوا گردانیده است:

متن اصلی: «الأرامل فی هذا البلد أكثر من جوع البطن. تحمد الله أنها وجدت زوجاً مثلي» (صالح، ۱۹۹۷: ۱۲۰).

ترجمه عربی به انگلیسی: « Widows in this village are more common than empty bellies.she should thank God she`s found a husband like me » (Davis, 2009: 45).

ترجمه عربی به فارسی: «بیوه‌ها در این سرزمین از گرسنگان بیشتر هستند. باید خدا را شکر کند که خواستگاری مثل من پیدا کرده است» (عامری، ۱۳۹۵: ۸۰).
ترجمه انگلیسی به فارسی: «بیوه تو این ده ریخته باید یکی بخورد و صد تا صدقه بدهد که شوهری مثله من گیرش بیاید» (غبرائی، ۱۳۹۰: ۱۶۲).

وقتی به دریافت متن انگلیسی از عربی توجه می‌شود، رد پای مترجم و عمل ترجمه‌اش کاملاً مشهود است و خواننده می‌تواند تشخیص دهد که این متن ترجمه شده از زبان اصلی است، اما وقتی همین قیاس را در رابطه با دریافت متن فارسی از انگلیسی انجام می‌دهیم، نمی‌توان به آسانی تشخیص داد که این متن ترجمه شده است؛ زیرا تعبیر تراشی‌های مترجم محتاطانه و با ظرافت و متناسب با زبان مقصد است. افق معنایی متفاوت مترجمان در تأویل بافت‌ها بیانگر این است که هر کدام با خوانش خود اندیشه‌های دیگران را درونی و متعلق به خود ساخته‌اند؛ حال یکی با بافتی رسمی آن را درونی می‌کند و دیگری با بافتی محاوره‌ای. نمونه‌های زیر از آن جمله‌اند:

متن اصلی: أبوها قَبِلَ (صالح، ۱۹۹۷: ۱۲۳).

ترجمه عربی به انگلیسی: Her father accepted (Davis, 2009: 46).

ترجمه عربی به فارسی: پدرش هم پذیرفته (عامری، ۱۳۹۵: ۸۲).

ترجمه انگلیسی به فارسی: باباها موافق است (غبرائی، ۱۳۹۰: ۱۶۷).

متن اصلی: مَن كان يظن... ؟ (صالح، ۱۹۹۷: ۴۵).

ترجمه عربی به انگلیسی: Who would have thought that... (Davis, 2009: 21).

ترجمه عربی به فارسی: چه کسی فکر می‌کرد (عامری، ۱۳۹۵: ۳۲).

ترجمه انگلیسی به فارسی: کی فکر می‌کرد؟ (غبرائی، ۱۳۹۰: ۷۷).

متن اصلی: هو يعلمُ تمام العلمِ مَنْ أنا؟ (صالح، ۱۹۹۷: ۷۱).

ترجمه عربی به انگلیسی: who I am Knowing as he does full well (Davis, 2009: 29).

ترجمه عربی به فارسی: چون مرا خوب می‌شناخت (عامری، ۱۳۹۵: ۴۸).

ترجمه انگلیسی به فارسی: چون خوب می‌دانست من کی‌م؟ (غبرائی، ۱۳۹۰: ۱۰۸).

۳-۱-۶. اسم صوت

یکی دیگر از مواردی که در ترجمه واژه‌ها به چشم می‌خورد ترجمه نام آواها^۱ یا اسم صوت‌ها است. «اسم صوت واژه‌های نوساخته‌ای هستند که با مدلول زبانی هماهنگی دارند. این وجه آوایی خود بیانگر خلاقیت زبانی است. پرسی لاباک^۲ منتقد بریتانیایی می‌گوید: «خواننده موشکاف رمان باید به نوبه خود، رمان‌نویس باشد و هرگز به ذهنش خطور نکند که آفرینش اثر تنها مربوط به نویسنده است» (صهبا، ۱۳۹۲: ۶۰). این سه مترجم هر کدام در ترجمه واژه «یقرقع» از اسم صوت استفاده کرده‌اند که در زبان فارسی باعث تداعی صوت در ذهن مخاطب می‌شود و کاملاً می‌توان آن را لمس کرد و برحسب تجربه با آن ارتباط گرفت:

متن اصلی: «كَانَ الْجَلِيدُ يَقْرُقُ تَحْتَ حَذَائِي» (صالح، ۱۹۹۷: ۱۹۴).

ترجمه عربی به انگلیسی: «Though ice crackled* under my shoes» (Davis, 2009: 69).

ترجمه عربی به فارسی: «یخ زیر قدم‌هایم خَشْ خَشْ می‌کرد» (عامری، ۱۳۹۵: ۱۲۸).

ترجمه انگلیسی به فارسی: «یخ زیر پاهایم غِرچ غِرچ می‌کرد» (غبرائی، ۱۳۹۰: ۲۵۳).

* در انگلیسی واژه crackled به معنای «تَرَق و تَرُوق کردن» است.

تعدد افق معنایی مترجمان نشان از فعال بودن خواننده در فرآیند خواندن است که در تفسیر متن مشارکت دارد و نیز بیانگر این است که خواننده چقدر با شگردهای ادبی زبان

1. Voice name
2. Lubbock, P.

مقصد آشنا است؛ زیرا در پی این واکنش‌ها است که افق معنایی شکل می‌گیرد و باعث نمود معانی صریح و ضمنی می‌شود. نمونه‌های زیر از آن جمله‌اند:

متن اصلی: سمعتُ هَدِيلَ الْقَمْرِي (صالح، ۱۹۹۷: ۶).

ترجمه عربی به انگلیسی: I heard the cooing of the turtle-dove (Davis, 2009: 9).

ترجمه عربی به فارسی: نغمهٔ قمری‌ام را شنیدم (عامری، ۱۳۹۵: ۸).

ترجمه انگلیسی به فارسی: بغغوی قمری‌ها را شنیدم (غبرائی، ۱۳۹۰: ۳۲).

متن اصلی: يَغْطُ فِي نَوْمٍ مَرِيحٍ (صالح، ۱۹۹۷: ۶۸).

ترجمه عربی به انگلیسی: He was snoring away fast asleep when the train (Davis, 2009: 28) passed by the Sennar Dam.

ترجمه عربی به فارسی: در خوابی خوش فرو رفته بود (عامری، ۱۳۹۵: ۴۷).

ترجمه انگلیسی به فارسی: در خواب خوش خرخر می‌کرد (غبرائی، ۱۳۹۰: ۱۰۴).

متن اصلی: سيظل بعد ذلك يوسوس في آذان البشر (صالح، ۱۹۹۷: ۶۹).

ترجمه عربی به انگلیسی: And will continue thereafter to whisper in men's (Davis, 2009: 28) ears.

ترجمه عربی به فارسی: شروع به وسوسه گری در گوش‌های ابنای بشری می‌کرد (عامری، ۱۳۹۵: ۴۷).

ترجمه انگلیسی به فارسی: انگار مدام در گوش آدم وزوز می‌کند (غبرائی، ۱۳۹۰: ۱۰۵).

۶-۱-۴. مرکب اتباعی

آگاهی از جایگاه و معانی ترکیب‌ها در افق‌های متفاوت می‌تواند در بیان تجربه‌های متعدد زیبایی‌شناسی ما را یاری رساند. ترکیب‌های اتباعی، ساختارهایی مرکب و دو جزئی هستند که جزء اول دارای معنا و جزء دوم فاقد معنا است. این ساختارها گونه‌ای محاوره‌ای و خودمانی دارند و در بافتار رسمی به کار نمی‌روند یا به ندرت استفاده می‌شوند. مثلاً عامری در ترجمهٔ «تمدد علی» از واژهٔ «دراز کشیدن» و غبرائی از «پخش و پلا شد» استفاده کرده که

بیانگر دراز کشیدنی است که ناشی از شدت خستگی و کوفتگی جسمی است؛ پخش و پلا، ترکیبی اتباعی است که بخش اول آن معنا دارد و بخش دوم فاقد معنا است. ترجمه «stretch out» که به معنای طولانی کردن است در این مورد مناسب به نظر نمی‌رسد، گویی معادلی تحت‌اللفظی انتخاب شده است:

متن اصلی: «وَبَعْدَهَا تَمَدَّدَ عَلَى الْأَرْضِ» (صالح، ۱۹۹۷: ۱۳۳).

ترجمه عربی به انگلیسی: «after which he stretched himself out» (Davis, 2009: 49).

ترجمه عربی به فارسی: «و بعد دراز کشید» (عامری، ۱۳۹۵: ۸۹).
ترجمه انگلیسی به فارسی: «پخش و پلا شد» (غبرائی، ۱۳۹۰: ۱۷۹).

این نوع ترکیب‌ها در متن بیانگر استراتژی خواننده است که از یک سو برای مخاطب جذابیت دارد و از سوی دیگر در تصریح معنا موثر است؛ موارد زیر، دیگر نمونه‌هایی مرکب اتباعی در رمان موسم هجرت است:

متن اصلی: «و بِالْأَحْرَى أَنْ تُتِمَّ الْمَوْضِعَ» (صالح، ۱۹۹۷: ۱۲۷).

ترجمه عربی به انگلیسی: «You might as well round things off» (Davis, 2009: 47).

ترجمه عربی به فارسی: چه بهتر که مسأله را فیصله بدهی (عامری، ۱۳۹۵: ۸۵).
ترجمه انگلیسی به فارسی: قضیه را راست و ریست کنی (غبرائی، ۱۳۹۰: ۱۷۱).

متن اصلی: «أَبُوهَا شَتَمَهَا» (صالح، ۱۹۹۷: ۱۴۷).

ترجمه عربی به انگلیسی: «Her father beat her» (Davis, 2009: 54).

ترجمه عربی به فارسی: پدرش او را فحش داده (عامری، ۱۳۹۵: ۹۸).
ترجمه انگلیسی به فارسی: بدویبراه نثارش کرده (غبرائی، ۱۳۹۰: ۱۹۷).

۲-۶. ساختار جملات

در این بخش، مطالعه چگونگی توالی، نظم، همنشینی و چینش واژه‌ها برحسب قواعد زبانی مورد بررسی قرار می‌گیرد که در این پژوهش به دو مورد جای‌گردانی نحوی و کامل کردن جمله بسنده شده است.

۱-۲-۶. جای‌گردانی نحوی

ارکان جملات برخی زبان‌ها قابلیت خوش‌نشینی دارند؛ یعنی «اجزای یک جمله اعم از فعل، فاعل، قیده‌ها و... ممکن است در مکان‌های مختلفی جابه‌جا شوند. مثلاً ممکن است در صدر جمله، انتها و یا وسط جمله به کار برده شوند. دستور زبان‌ها از این مورد با عنوان «جای‌گردانی نحوی»^۱ تعبیر کرده‌اند» (Crystal, 1990: 425). «زبان‌ها از نظر انعطاف‌پذیری در برابر جابه‌جایی اجزای جمله حالت یکسانی ندارند. زبان فارسی از نظر جابه‌جایی عناصر جمله، خیلی انعطاف‌پذیرتر از زبان انگلیسی است. نظم عناصر جمله در زبان انگلیسی نسبتاً ثابت است. حرکت آزاد عناصر یک گروه در زبان فارسی موجب تنوع ساخت‌ها می‌شود. این انعطاف‌پذیری به نویسندگان مجال بازی‌های معنایی و گسترش صورت‌های سبکی را می‌دهد. در زبان فارسی گروه‌های اسمی و فعلی لغزان-گردان بسیارند» (فتوحی، ۱۳۹۵: ۲۷۳). جمله زیر شاهد مثالی است که در این رابطه می‌توان مطرح کرد؛ عامری عبارت «گفته‌های محجوب» را مؤخر آورده و غبرائی فعل «نشست» را مقدم کرده است. دیویس هم از واژه «struck home» به جای «نزل علی» به معنای «زده بر خانه» استفاده کرده که در ظاهر معنای مناسبی به نظر نمی‌آید. مترجم باید در روند ترجمه خلأها از واژگان و تعبیری استفاده کند که نه تنها معنا را در زبان مقصد فاسد نمی‌کند، بلکه درک متن را نیز برای خواننده آسان می‌کند:

متن اصلی: «ثم مثلُ ضربةٍ مُفاجئةٍ تنزلُ علی أم الرأسِ، نزل علی قولُ محجوب» (صالح، ۱۹۹۷: ۱۲۷).

ترجمه عربی به انگلیسی: «Then, like a sudden blow that lands right on the top of one`s head, Mahjoub`s words struck home» (Davis, 2009: 47).

1. Scrambling, N.

ترجمه عربی به فارسی: «بعد یکبارہ مانند ضربہ غافلگیرکننده پتکی، گفته‌های محجوب به طرفم پرتاب شدند» (عامری، ۱۳۹۵: ۸۴).
ترجمه انگلیسی به فارسی: «گفته‌های محجوب مثل ضربہ ناگهانی پتکی که یکراست روی کله آدم فرود بیاید، نشست روی ملاجم» (غبرائی، ۱۳۹۰: ۱۷۱).

در بررسی افق معنایی توجه به این نکته ضروری است که صرف تفاوت معنایی شرط نیست؛ زیرا اگر مترجم به درستی شکاف‌ها را تشخیص ندهد نه تنها نمی‌تواند در نوشتن متنی منسجم مشارکت کند، بلکه به بیراهه هم کشیده خواهد شد. با وجود اینکه هر چه در روند خوانش ترجمه‌ها پیش می‌رویم، خوانش‌های فارسی، داستان را برایمان لذت بخش‌تر می‌کند، اما به نظر می‌رسد ترجمه غبرائی به دلیل جای‌گردانی دقیق ساختارها و نزدیک‌تر بودنش به زبان مقصد جذابیت بیشتری را هم در زیبایی‌شناسی و هم در انتقال معنا برای خواننده به همراه دارد. تقدیم «ضربه ناگهانی پتک» و به دنبال آن «یکراست روی کله فرود آمدن» و در نهایت «نشستن روی ملاج» خط توالی است که خواننده کاملاً آن را تداعی و درک می‌کند و همین زیبایی باعث جذابیت و صراحت در معنا می‌شود. موارد زیر نمونه‌های دیگری از جای‌گردانی نحوی است:

متن اصلی: تدخل الفصل مع التلاميذ (صالح، ۱۹۹۷: ۲۸).

ترجمه عربی به انگلیسی: You go into class with the other pupils (Davis, 2009: 16).

ترجمه عربی به فارسی: با هم‌کلاسی‌هایت وارد کلاس می‌شوی (عامری، ۱۳۹۵: ۲۲).
ترجمه انگلیسی به فارسی: با شاگردهای دیگر می‌روی سر کلاس (غبرائی، ۱۳۹۰: ۵۸).

متن اصلی: أريدُ أن أذهبَ إلى القاهرة (صالح، ۱۹۹۷: ۳۱).

ترجمه عربی به انگلیسی: I want to go to Cairo (Davis, 2009: 17).

ترجمه عربی به فارسی: می‌خواهم به قاهره بروم (عامری، ۱۳۹۵: ۲۴).
ترجمه انگلیسی به فارسی: دلم می‌خواهد بروم قاهره (غبرائی، ۱۳۹۰: ۶۲).

متن اصلی: أحسستُ برَجْفَةً (صالح، ۱۹۹۷: ۱۹۷).

ترجمه عربی به انگلیسی: I felt a shudder go through me (Davis, 2009: 71).

ترجمه عربی به فارسی: احساس لرزشی کردم (عامری، ۱۳۹۵: ۱۳۱).

ترجمه انگلیسی به فارسی: تمام تنم بنا کرد به لرزیدن (غبرائی، ۱۳۹۰: ۲۵۷).

۶-۲-۲. کامل کردن جمله

در بسیاری از متون ما شاهد جملات ناقصی هستیم که مترجمان براساس متن مبدأ آن‌ها را به همان شکل در متن مقصد رها کرده‌اند که این مسأله فهم را برای خوانندگان سخت و آن‌ها را از ادامه خواندن دلسرد می‌کند. «مترجم در مقام کارشناس باید تصمیم بگیرد که متن مبدأ قرار است چه نقشی در عمل ترجمه ایفا کند و مفاهیم متن مبدأ را با کمترین افت به مقصد بیگانه منتقل کند تا آنچه را در متن مبدأ «می‌بیند» با آنچه در متن مقصد «می‌بیند» معادل و همسنگ باشد» (بیکر^۱، ۱۳۹۶: ۶۳۵). غبرائی دو اسم «scandal / investigation» را به صورت فعل «سین و جیم کردن / گندش در می‌آمد» ترجمه کرده که هم از نظر معنایی به شکلی زیبا مفهوم را انتقال داده و هم از جهت ترکیبی، جمله را کامل کرده است. همچنین با جایگزین کردن کلمه «گندش» به جای «افتضاح» جمله را برای مخاطب به اصطلاح خودمانی‌تر آورده که در زبان فارسی برای مخاطب از پذیرش بیشتری برخوردار است. در ترجمه عامری نیز با وجود اینکه مبدأ محور ترجمه شده، معنا در ترجمه این قسمت با خللی مواجه نشده و معنا منتقل شده است:

متن اصلی: «كان سيجيئنا البوليس وتحقيق وفضائح» (صالح، ۱۹۹۷: ۱۴۷).

ترجمه عربی به انگلیسی: «the police would only have com along and there»

«would have been all the scandal of an investigation» (Davis, 2009: 54).

ترجمه عربی به فارسی: «اگر نه پلیس می‌آمد و آن وقت تحقیق بود و افتضاح» (عامری،

۱۳۹۵: ۹۸).

ترجمه انگلیسی به فارسی: «وگر نه سرو کله پلیس پیدا می‌شد و سین و جیم می‌کرد و گندش

در می‌آمد» (غبرائی، ۱۳۹۰: ۱۹۶).

1. Baker, M.

در این ترجمه‌ها سه افق معنایی را مشاهده می‌کنیم. با وجود اینکه هریک به نوبه خود صحیح است، اما دارای تفاوت‌هایی نیز هستند؛ غبرائی در تفسیر متن مشارکت کرده و از رمز و راز زیبایی‌شناسی متن مبدأ کاسته به زیبایی‌شناسی متن مقصد بها داده و به درجه صراحت متن مقصد افزوده است، اما در ترجمه عامری و دیویس؛ متن اصلی و ترجمه، درجه تفسیرپذیری یکسانی دارند و مترجمان بعد زیبایی‌شناختی متن مبدأ را حفظ کرده‌اند.

متن اصلی: يحصل ذبح بجوارک و أنت نائم! (صالح، ۱۹۹۷: ۱۵۵).

ترجمه عربی به انگلیسی: A murder happens next door to you,` he said to him, ``and you sleep right through it? (Davis, 2009: 56).

ترجمه عربی به فارسی: بغل دست قتل اتفاق می‌افتد و تو خوابی؟ (عامری، ۱۳۹۵: ۱۰۳).
ترجمه انگلیسی به فارسی: تو همسایگیت دوتا قتل اتفاق افتاده و تو تو خواب خرگوشی می‌روی! (غبرائی، ۱۳۹۰: ۲۰۶).

متن اصلی: إجتمع خلقٌ عظیم! (صالح، ۱۹۹۷: ۱۳۹).

ترجمه عربی به انگلیسی: A vast concourse of people gathered (Davis, 2009: 51).

ترجمه عربی به فارسی: جمعیت عظیمی گرد آمد (عامری، ۱۳۹۵: ۹۳).
ترجمه انگلیسی به فارسی: جمعیتی شد آن سرش ناپیدا (غبرائی، ۱۳۹۰: ۱۸۶).

۳-۶. معانی کنایی

بنابر تفاوت ذهنیت هر فرد با دیگری، قطعاً خوانش‌ها هم مختلف خواهند بود. «اغلب مواقع درک هر متنی به دریافت معنای ظاهری آن منحصر نمی‌شود، چراکه هر کدام از گفتارها علاوه بر مفهوم آشکار متن، مضمونی درونی و نهانی نیز دربر دارد. دریافت نهایی بعضی جمله‌ها به معنای ظاهری آن محدود می‌شود. برای رسیدن به معنای درونی آن باید از معنای ملموس‌شان در گذریم تا مضمون درونی را بشناسیم» (صهبا، ۱۳۹۲: ۸۴). خواننده افق انتظار متن را می‌شکند و از منظری جدید مسافتی را خلق می‌کند که از جهت زیبایی‌شناسی متناسب و در عین حال متفاوت با متن اصلی است و همین امر باعث پیدایش افق معنایی متفاوت می‌شود.

کار بست کنایه در ترجمه، فراهم کردن فرصتی است برای خواننده تا کارکرد متن اصلی را در ساختار زبانی جدیدی درک کند که منتهی به رویداد گفتمانی جدید در ترجمه می‌شود. «از جمله مسائلی که مترجم (در مقام خواننده) در روند ترجمه و خوانش باید بدان توجه کند، ضرورت اهتمام به صورت و زیبایی متن است، چراکه اگر متن از نظر فرم زیبایی نداشته باشد، فهم معنا هم دچار مشکل خواهد بود. مترجم باید رضایت مخاطب را کسب کند» (فطوم، ۲۰۱۳: ۴۹).

در نمونه زیر، می‌توان به ترجمه اصطلاحی «دکان تخته شدن» اشاره کرد غبرائی در ترجمه واژه «spoiled» به زیبایی مفهوم «بی‌اعتبار کردن» را ارائه داده است. برداشت عامری از عبارت «أفسد علیهم أمرهم» نه از جهت صراحت و نه تلویحی، درست به نظر نمی‌آید. دیویس هم طبق معمول از نگاشت مفهومی یکسانی بهره برده و پایبند به زیبایی‌شناسی متن مبدأ است. او در ترجمه فعل افسد از «spoiled» استفاده کرده که مترادف هم هستند.

متن اصلی: «لأنه فتحَ عیونَ أهلِ البلدِ وأفسدَ علیهم أمرهم» (صالح، ۱۹۹۷: ۱۲۵).

ترجمه عربی به انگلیسی: «because he opened the villager's eyes and spoiled things for them» (Davis, 2009: 46).

ترجمه عربی به فارسی: «چون او باعث باز شدن چشم مردم و از دست دادن سودهای بادآورده توسط تجار شده بود» (عامری، ۱۳۹۵: ۸۳).

ترجمه انگلیسی به فارسی: «او چشم اهالی ده را باز کرده بود و باعث شده بود دکان این عده تخته شود» (غبرائی، ۱۳۹۰: ۱۶۹).

از آنجایی که در نظریه زیبایی‌شناسی «یک اثر فراتر از معنا جهانی را در خود فراقینی می‌کند که خواننده در آن می‌تواند دریافت -محدود یا گشوده- به افق جهان بیرونی متن را فهم کند» (گادامرو ریکور، ۱۳۹۲: ۷۶). می‌توان گفت هر اندازه افق دریافت مترجم وسیع باشد به همان اندازه مجال پدیدار شدن معنا و در نهایت لذت بردن از آن برای مخاطب بیشتر مهیا می‌شود. همانند نمونه‌های دریافت غبرائی در کاربرد ضرب المثل‌ها و عبارات کنایی که در ادامه به آن‌ها اشاره شده است.

متن اصلی: تَسَكَعْتُ فِي شَوَارِعِ الْقَاهِرَةِ (صالح، ۱۹۹۷: ۳۷).

ترجمه عربی به انگلیسی: I had loafed around the streets of Cairo (Davis, 2009: 19).

ترجمه عربی به فارسی: در خیابان‌های قاهره پرسه می‌زدم (عامری، ۱۳۹۵: ۲۷).
ترجمه انگلیسی به فارسی: خیابان‌های قاهره را از پاشنه درآوردم (غبرائی، ۱۳۹۰: ۶۸).

متن اصلی: غَضِبَ غَضْباً شَدِيداً (صالح، ۱۹۹۷: ۹۶).

ترجمه عربی به انگلیسی: He was so angry (Davis, 2009: 19).

ترجمه عربی به فارسی: بسیار عصبانی شد (عامری، ۱۳۹۵: ۶۵).
ترجمه انگلیسی به فارسی: از کوره در رفت (غبرائی، ۱۳۹۰: ۱۳۵).

۶-۳-۱. معادل‌ها و اصطلاحات

اصلی‌ترین معضل در خوانش‌ها، یافتن معادل‌های ترجمه‌ای زبان مقصد است. مترجم همواره با گستره‌ای از معادل‌ها در زبان مقصد مواجه است و باید تلاش کند تا از بین گزینه‌های موجود، بهترین معادل‌ها را انتخاب کند. «بنابراین رفتار مترجم هیچ‌گاه بی‌غرض نیست و می‌تواند به بومی‌سازی متن خارجی منتهی شود؛ به طوری که برای خوانندگان زبان مقصد قابل فهم و حتی آشنا شود و به این ترتیب به خواننده امکان می‌دهد با بازشناسی «دیگری» فرهنگی خود، خود شیفتگی را تجربه کند» (گنتزler^۱، ۱۳۹۲: ۱۱۷).

شاتل ورث^۲ می‌گوید: «معادل اصطلاحی است که از سوی بسیاری از نویسندگان برای توصیف ماهیت و گستره روابطی که میان متن مبدأ و متن مقصد برقرار است به کار گرفته شده است». معمولاً این گستره روابط است که موجب می‌شود متن مقصد ترجمه‌ای از متن مبدأ باشد» (مانفردی، ۱۳۹۴: ۶۰). در این مورد می‌توان فعل «آدهشنی» را مثال زد که دریافت عامری همان معنای حقیقی فعل و رعایت فاصله نگرفتن از زیبایی‌شناسی متن مبدأ است و به زبان مبدأ وفادار مانده است. دیویس هم فعل «astonished» را که به معنای «متحیر بودن» است، به کار برده، اما غبرائی مانند دیگر نمونه‌ها بیشتر مقصدمحور ترجمه کرده و در مقابل آن «از تعجب شاخ درآوردن» را آورده است. در حالی که در انگلیسی

1. Gentzler, E.

2. Worth, Sh.

معادل معنایی این ضرب‌المثل "Drop one's teeth" است که مترجم زبان انگلیسی می‌توانست در بسط افق معنایی خود از آن استفاده کند:

متن اصلی: «وَقَالَ شَيْئاً أَدَهَشَنِي حَقِيقَةً» (صالح، ۱۹۹۷: ۱۲۰).

ترجمه عربی به انگلیسی: «he said some thing that truly astonished me» (Davis, 2009: 45).

ترجمه عربی به فارسی: «چیزی گفت که مرا در مقابل رفتارش شگفت‌زده کرد» (عامری، ۱۳۹۵: ۸۰).

ترجمه انگلیسی به فارسی: «چیزی گفت که نزدیک بود از تعجب شاخ در آورم» (غبرائی، ۱۳۹۰: ۱۶۳).

مشخص است که قوه خیال مترجمان در گام اول با خواندن این رمان برانگیخته شده و لذت ناشی از خواندن رمان باعث تولید ترجمه‌ای پویا و خلاق شده است. غبرائی در این زمینه اذعان داشته «من که عمری با رمان و داستان بزرگ شده‌ام، پیرانه‌سر از خواندن این رمان به قدری به هیجان آمدم که دو سه روزه زندگی عادی از یادم رفت و با همان شوق آن را ترجمه کردم» (همان: ۶). در نهایت می‌توان گفت «لذت» اساس تجربه زیبایی‌شناختی است.

متن اصلی: یجلس أمامی الآن وجهه مرید (صالح، ۱۹۹۷: ۱۱۹).

ترجمه عربی به انگلیسی: Now sat in front of me whit a morose expression on his face (Davis, 2009: 45).

ترجمه عربی به فارسی: با چهره‌ای در هم مقابل من نشسته (عامری، ۱۳۹۵: ۷۹).

ترجمه انگلیسی به فارسی: با قیافه مادرم‌رده‌ها جلوی من نشسته (غبرائی، ۱۳۹۰: ۱۶۲).

متن اصلی: يعرفها منذ كانت طفلة (صالح، ۱۹۹۷: ۱۲۴).

ترجمه عربی به انگلیسی: Wad Rayyes has known Hosna Bint Mahmoud since she was a child (Davis, 2009: 46).

ترجمه عربی به فارسی: او را از کوچکی می‌شناخت (عامری، ۱۳۹۵: ۸۲).

ترجمه انگلیسی به فارسی: وقتی یک الف بچه بود می‌شناخت (غبرائی، ۱۳۹۰: ۱۶۷).

متن اصلی: يعرفها منذ كانت طفلة (صالح، ۱۹۹۷: ۱۲۴).

ترجمه عربی به انگلیسی: Wad Rayyes has known Hosna Bint Mahmoud since she was a child (Davis, 2009: 46).

ترجمه عربی به فارسی: او را از کوچکی می‌شناخت (عامری، ۱۳۹۵: ۸۲).

ترجمه انگلیسی به فارسی: وقتی یک الف بچه بود می‌شناخت (غبرائی، ۱۳۹۰: ۱۶۷).

متن اصلی: لم أحیه (صالح، ۱۹۹۷: ۱۵۶).

ترجمه عربی به انگلیسی: I did not greet him (Davis, 2009: 56).

ترجمه عربی به فارسی: سلامش نکردم (عامری، ۱۳۹۵: ۱۰۴).

ترجمه انگلیسی به فارسی: با او خوش و بش نکردم (غبرائی، ۱۳۹۰: ۲۰۷).

بحث و نتیجه‌گیری

افق معنایی مؤلفه‌ای مهم در زیبایی‌شناسی دریافت به شمار می‌آید و بر روند خوانش آثار ادبی تأثیر بسزایی دارد؛ به گونه‌ای که تفاوت افق معنایی منجر به روی کار آمدن اثری جدید می‌شود. بر این اساس و طبق بررسی‌های انجام شده نتایج زیر به دست آمد:

- اگر مترجم در زبان مقصد متن را به گونه‌ای طبیعی جلوه دهد و از واژگان، معادل‌ها، ضرب‌المثل‌ها و ساختارهایی استفاده کند که در زبان مقصد مورد استفاده است و خواننده هنگام خواندن به ترجمه بودن متن پی نبرد و بتواند بر فاصله و فضاهاى خالی متن به درستی فائق آید در این صورت ترجمه، فرآیندی خواهد بود که بر زیبایی‌شناسی متن می‌افزاید هرچند که تعادل زیبایی‌شناختی میان متن مبدأ و مقصد برقرار نباشد؛ زیرا در این تحقیق بنای کار بر زیبایی‌شناسی زبان مقصد استوار است نه زبان مبدأ و نه تعادل زیبایی‌شناختی میان متن مبدأ و مقصد.

- خواننده محوری و خوانش جدید و نقش خواننده در آفرینش معنا، بنیان نظریه زیبایی‌شناسی دریافت به شمار می‌آید. همچنین عدم مشارکت خواننده در متن اصلی باعث حفظ زیبایی‌شناسی متن مبدأ می‌شود، اما مشارکت مترجم در تفسیر متن و پر کردن شکاف‌ها و واکنش نسبت به آن‌ها در مواردی، هم می‌تواند بر زیبایی‌شناسی متن مقصد

ببفزاید و هم از آن بکاهد. اگر فضاهای سفید متن مبدأ در سطح واژگان، عبارات، ساختارها و... متناسب با متن مقصد پر شود به گونه‌ای که بر صراحت معنایی متن مقصد برای مخاطب افزوده شود در این صورت مشارکت خواننده بر زیبایی شناسی متن مقصد موثر واقع خواهد شد. درجه زیبایی شناسی متن به درجه واکنش خواننده به خلأها بستگی دارد؛ چون این خلأها با افق معنایی مترجم پر می‌شود.

- در این پژوهش با سه افق معنایی مواجه شدیم که دریافت هر کدام با دیگری تفاوت‌های چشمگیری داشت. افق معنایی دیویس بیشتر مبدأ محور است و تأکید او بر نویسنده و انتقال مفهوم او است. افق معنایی عامری به گونه‌ای است که میان معانی صریح و تلویحی در نوسان است گرچه بیشترین گرایش او به سمت مبدأ محور بودن پیش رفته است. غبرائی بیشتر مقصد محور است و معانی صریح، طبیعی و متناسب با زبان مقصد بازتولید کرده است. هر یک از مترجمان به شیوه خاص خود با متن کلنچار رفته‌اند و هر آنچه را باید اتفاق بیفتد، آفریده‌اند و با توجه به متن مبدأ، افق معنایی متعددی داشته‌اند که منجر به دگرگونی افق‌ها و در نهایت متفاوت بودن تجربه زیبایی شناختی شده است؛ بنابراین، فرآیند ترجمه به هر سه مترجم این امکان را داده که به آثاری از یک فرهنگ بیگانه دست یابند.

تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

ORCID

Seyed Mehdi

Masboogh

Solmaz Ghafari



<https://orcid.org/0000-0003-0739-982X>



<https://orcid.org/0000-0002-2697-7595>

منابع

- احمدی، بابک. (۱۳۹۳). ساختار و تأویل متن. ج ۱۶. تهران: مرکز.
- اوستینوف، میشل. (۱۳۹۰). ترجمه (مجموعه مطالعات ترجمه). ترجمه فاطمه میرزا ابراهیم تهرانی. ج ۳. تهران: قطره.

بیکر، مونا و سالدنیا گابریلا. (۱۳۹۶). *دائرة المعارف مطالعات ترجمه*. ترجمه حمید کاشانیان. تهران: فرهنگ نشر نو.

- بارت، رولان. (۱۳۹۶). *لذت متن*. ترجمه پیام یزدانجو. چ ۱۰. تهران: مرکز.
- خزاعی فرید، علی. (بی تا). تعادل زیباشناختی در ترجمه متون ادبی. مترجم، (۵۷)۲۴، ۳-۱۴.
- زیما، پیتر وی. (۱۳۹۴). *فلسفه نظریه ادبی مدرن*. ترجمه رحمان ویسی حصار. تهران: آگه.
- شرشار، عبدالقادر. (۲۰۰۱م). *نظریه القراءه و تلقی النص الأدبی*. دمشق: اتحاد الکتاب العرب.
- شاهین، محمد. (۱۹۹۶م). *الأدب و الأسطورة*. بیروت: المؤسسة العربية للدراسات و النشر.
- صالح، الطیب. (۱۹۹۷م). *موسم الهجرة إلى الشمال*. بیروت: دارالجمیل.
- صهبا، فروغ. (۱۳۹۲). *کارکرد ابهام در فرآیند خوانش متن*. تهران: آگه.
- صفوی، کوروش. (۱۳۹۴). *هفت گفتار درباره ترجمه*. چ ۱۲. تهران: مرکز.
- صلح جو، علی. (۱۳۹۴). *گفتمان و ترجمه*. چ ۷. تهران: مرکز.
- عامری، رضا. (۱۳۹۵). *موسم هجرت به شمال*. چ ۲. تهران: چشمه.
- غبرائی، مهدی. (۱۳۹۰). *فصل مهاجرت به شمال*. تهران: پوینده.
- فیضی، طیب. (۱۳۹۶). *بررسی نظریه پذیرش براساس داستان های هزارویک شب*. (موردکاوی سندبادبحری). پایان نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی، همدان: دانشگاه بوعلی سینا.
- فظوم، مرادحسن. (۲۰۱۳م). *التلقى فى التقد العربی (فى القرن الرابع الهجرى)*. دمشق: الهيئة العامة السورية للكتاب.
- فتوحی رودمعجنی، محمود. (۱۳۹۵). *سبک شناسی (نظریه ها، رویکردها و روش ها)*. تهران: سخن.
- گادامر و ریکور. (۱۳۹۲). *چیستی ترجمه در هرمنوتیک*. ترجمه بابک معین. تهران: سخن.
- گنتزler، ادوین. (۱۳۹۲). *ترجمه و قدرت*. ترجمه محمد کریمی. چ ۲. تهران: قطره.
- مانفردی، مارینا. (۱۳۹۴). *ترجمه متن و بافت غیرزبانی*. ترجمه آریتا افراشی. تهران: قطره.
- واعظیان، هلیا. (۱۳۹۱). *پیکره های زبانی و ترجمه (مجموعه مطالعات ترجمه)*. تهران: قطره.
- یعقوبی، حسین. (۱۳۸۳). *زبان ترجمه و ارتباط فرهنگ ها*. تهران: مرکز.

References

- Ahmadi, B. (2013). *Text Structure and Interpretation*. Edition 16. Tehran: Markaz. [In Persian]
- Ameri, R. (2015). *The Season of Migration to the North*. Edition 2. Tehran: Cheshme. [In Persian]

- Baker, M. and Saldenia, G. (2016). *Encyclopedia of Translation Studies*. Translated by: Hamid Kashanian. Tehran: Nashr no. [In Persian]
- Barrett, R. (2016). *The Pleasure of Text. Translation of Yazdanjo's Message*. Edition 10. Tehran: Markaz. [In Persian]
- Crystal, D. and Derek, D. (1990). *Investigating English Style*. Longman: 12th Printed.
- Davis, D. J. (2009). *Season of Migration to the North Tayeb Salih*. Introduction by Laila lalami. NewYork: Review Books Classics.
- Faizi, T. (2016). *Review of the Theory of Acceptance based on the Stories of the Thousand and One Nights (Case Study of Sindbad Bahri)*. Master's Thesis of Arabic Language and Literature. Hamedan: Bu Ali-Sina University. [In Persian]
- Fattoum, M. (2013). *Al-Talaqhi fi al-Samat al-Arabi (in the fourth quarter of Hijri)*. Damascus: Elahiya Al-Syria for books. [In Arabic]
- Fotuhi Roudmajni, M. (2015). *Stylistics (theories, approaches and methods)*. Tehran: Sokhan. [In Persian]
- Ghabrai, M. (2010). *Migration Season to the North*. Tehran: Poivendeh. [In Persian]
- Gadamer, G. and Ricoeur, P. (2012). *What is Translation in Hermeneutics*. Translated by Babak Moin. Tehran: Sokhan [In Persian]
- Gentzler, E. (2012). *Translation and power*. Translated by Mohammad Karimi. Edition 2. Tehran: Qatreh. [In Persian]
- Khazaei Farid, A. (Bita). Aesthetic balance in the translation of literary texts. *Translator's Quarterly*. 24(57), 3-14. [In Persian]
- Lodge, D., Nigel, W. (2000). *Wood, Modern Criticism and Theory: A Reader*. 2nd Edition. Longman: Iser, Wolfgang. The Reading Process: a Phenomenological Approach.
- Manfredi, M. (2014). *Translation of Non-linguistic Text and Context*. Translated by Azita Afarashi. Tehran: Qatreh. [In Persian]
- Robert, C. (1984). *Holub, Reception Theory: A Critical Introduction*. London and New York: Methuen.
- Safavi, K. (2014). *Seven Speeches about Translation*. Edition 12. Tehran: Markaz. [In Persian]
- Saleh, A. (1997). *The Season of Migration to the North*. Beirut: Dar al-Jeil. [In Persian]
- Sahba, F. (2012). *The function of ambiguity in the text reading process*. Tehran: Agah. [In Persian]
- Solhjo, A. (2014). *Conversation and Translation*. Ch 7. Tehran: Markaz. [In Persian]

- Sharshar, A. Q. (2001). *Theory of Reading and Perception of Literary Text*. Damascus: Ittihad al-Kitab al-Arab. [In Arabic]
- Shahin, M. (1996). *Literature and Mythology*. Beirut: Al-Mossah Al-Arabiya for Studies and Al-Nashar. [In Arabic]
- Ustinov, M. (2011). *Translation (Collection of Translation Studies)*. Translated by Fatemeh Mirza Ebrahim Tehrani. 3 Edition. Tehran: Qatreh. [In Persian]
- Vaezian, H. (2011). *Linguistic Figures and Translation (Collection of Translation Studies)*. Tehran: Qatreh. [In Persian]
- Yaqoubi, H. (2013). *Translation Language and Communication between Cultures*. Tehran: Markaz. [In Persian]
- Zima, P. V. (2014). *The Philosophy of Modern Literary Theory*. Translated by: Rahman Veysi Hisar. Tehran: Agah. [In Persian]

استناد به این مقاله: مسبوق، سید مهدی، غفاری، سولماز. (۱۴۰۱). تأثیر افق معنایی مترجم بر متن مقصد در پرتو نظریه زیبایی‌شناسی دریافت؛ مطالعه موردی سه ترجمه از رمان «موسم الهجرة الى الشمال». *دوفصلنامه پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی*، ۱۲(۲۶)، ۳۷-۶۹. doi: 10.22054/RCTALL.2021.63204.1579



Translation Researches in the Arabic Language and Literature is licensed under a Creative Commons Attribution-Noncommercial 4.0 International License.